

مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی (از منظر فقه و حقوق)

نویسندگان: دکتر محمدعلی حیدری (ایران)^۱، دکتر حسین عندلیب (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۸

چکیده

مسئولیت حکومت دینی در فضای مجازی را می‌توان به دو بخش اقدامات مرتبط با پیشرفت اقتصادی و پیشرفت علمی، معنوی و اخلاقی تقسیم نمود؛ در بخش نخست که تردیدی نیست و ادله فقهی - هم‌چون وجوب جلب مصلحت و منفعت، وجوب دفع ضرر - و قوانین برنامه توسعه و شورای عالی مجازی، حکومت را مسئول می‌داند تا اقدامات توسعه‌ای در زمینه گسترش دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک انجام دهد و نیز از باب دفع ضرر، اقدامات تدافعی در مبارزه با هکرها و حمله‌های سایبری انجام دهد؛ لذا در این خصوص، دیدگاه مشترکی میان اندیشه‌وران وجود دارد و همگی بر لزوم توسعه فضای مجازی در این ساحت‌ها تأکید دارند. آنچه محل بحث و مناقشه از سوی برخی است، بخش دوم - لزوم مسئولیت دولت در حوزه‌های معنوی و اخلاقی و علوم اسلامی - است؛ مطابق با مسمای حکومت اسلامی، یکی از وظایف ذاتی و اولیه آن ترویج مبانی دینی و حفظ و حراست از آن‌هاست که برای این مهم نیز شیوه‌های مختلف و متنوعی وجود دارد؛ در عین حال، برخی هنوز در این‌که آیا حفاظت از مرزهای عقیدتی از وظایف ذاتی حکومت است، تردید دارند که این مسئله، طرح این پرسش را الزامی می‌کند که: آیا از منظر فقه و حقوق اسلامی،

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد نجف آباد)، نجف آباد،

ایران، ma1.heidari@yahoo.com

۲. دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد نجف آباد)، نجف آباد،

ایران، hoseinandalib@yahoo.com

حکومت دینی وظیفه‌ای در حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی دارد؟ بر این اساس، فرضیه این پژوهش عبارت است از این‌که: با توجه به فلسفه تشکیل حکومت دینی و ادله فقهی - امریه معروف و نهی از منکر، وجوب تعلیم و تربیت، ادله ولایت فقیه - و نیز اصول موجود در قوانین موضوعه ایران، یکی از وظایف حکومت دینی حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی است که یکی از مصادیق آن، حراست و حفاظت از فضای مجازی برای جلوگیری از آسیب‌رسانی به اعتقادات شهروندان به عنوان وظیفه سلبی - مثل فیلترینگ - و ترویج و تبلیغ اعتقادات صحیح دینی در فضای مجازی به عنوان وظیفه ایجابی است. برای اثبات این فرضیه در پژوهش حاضر، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: مرزهای عقیدتی شهروندان، مسئولیت حکومت دینی، فقه و حقوق، فضای مجازی

مقدمه

مسئولیت حکومت دینی در فضای مجازی را می‌توان به دو بخش اقدامات مرتبط با پیشرفت اقتصادی و پیشرفت علمی، معنوی و اخلاقی تقسیم نمود.

در بخش نخست، ادله فقهی هم‌چون وجوب جلب مصلحت و منفعت و وجوب دفع ضرر و نیز قوانین برنامه توسعه و شورای عالی فضای مجازی - ابلاغی مقام معظم رهبری - حکومت را مسئول می‌داند تا اقدامات توسعه‌ای در زمینه گسترش دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک انجام دهد و هم‌چنین از باب دفع ضرر، اقدامات تدافعی در مبارزه با هکرها و حمله‌های سایبری انجام دهد؛ لذا در این خصوص دیدگاه‌های مشترکی میان اندیشه‌وران وجود دارد که همگی تأکید بر لزوم توسعه فضای مجازی در این ساحت‌ها دارند.

آن‌چه محل مناقشه از سوی برخی است، بخش دوم بحث - لزوم مسئولیت دولت در حوزه‌های معنوی و اخلاقی و علوم اسلامی - است.

همان‌طور که از نام حکومت دینی پیداست، یکی از وظایف ذاتی و اولیه آن ترویج مبانی دینی و حفظ و حراست از آن‌هاست که برای این مهم، شیوه‌های مختلف و متنوعی وجود دارد؛ اما مهم‌تر از شیوه‌ها این است که - ظاهراً - هنوز برخی در اصل موضوع تردید دارند.

بنابراین، جای طرح این پرسش است که:

- آیا از منظر فقه و حقوق اسلامی، حکومت دینی وظیفه‌ای در حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی دارد؟
این پژوهش برای پاسخ به این پرسش، سامان یافته است.

مبانی نظری پژوهش

۱. مسئولیت

مسئولیت اقسام مختلفی دارد که منظور از مسئولیت در این پژوهش، مسئولیت فقهی و حقوقی است؛ منظور از مسئولیت فقهی نیز آن است که از نظر فقه، فرد حقیقی یا حقوقی ملزم به انجام یا ترک فعلی است و در قبال کوتاهی آن یا ضامن است و یا علاوه بر ضمان، مرتکب معصیت نیز شده است.

در مورد مسئولیت حقوقی یا قانونی، نظریه‌های مختلفی در مورد مسئولیت قانونی وجود دارند؛ اما وجه مشترک همه آن‌ها در این است که ابتدا باید شرایطی در مورد یک فرد - اعم از حقیقی یا حقوقی - اثبات شود تا بتوان او را به صورت قانونی، مسئول دانست.

به عنوان مثال؛ نظریه اهمال معتقد است برای این‌که کسی بابت اهمال‌کاری مسئولیت قانونی پیدا کند، باید ثابت شود که وی وظیفه‌ای بر عهده داشته که آن را انجام نداده یا انجام ندادنش باعث خسارت به کسی دیگر شده و این خسارت، قابل جبران است.

۲. حکومت دینی

حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت همه‌جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است؛ یعنی دولت و نهادهای مختلف آن- خود- را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب خاصی متعهد می‌دانند. (واعظی، ۱۳۸۳: ۳۱)

- وظایف حکومت دینی از دیدگاه افلاطون^۱ و فارابی

دیدگاه افلاطون در این زمینه با توجه به نکات زیر تبیین می‌گردد:

ا. انسان، موجودی عقلانی و فرامادی است.

ب. خیر و سعادت انسان متناسب با هستی او است؛ پس خیر و سعادت انسان، امری فرامادی است.

ت. شناخت خیر و سعادت حقیقی برای برخی انسان‌ها مقدور است.

ث. تنها فیلسوفان توانایی شناخت خیر حقیقی را دارند.

ج. وظیفه حکومت، رساندن افراد به خیر و سعادت حقیقی است.

بنابراین، وظیفه حکومت از دیدگاه افلاطون به تأمین نیازمندی‌های مادی جامعه منحصر نمی‌شود؛ بلکه تربیت درست و رسانیدن افراد به خیر و سعادت از وظایف اصلی حکومت است که این کار نیز از عهده حکیمان بر می‌آید؛ لذا- تنها- حکیمان شایسته به عهده گرفتن حکومت هستند. (کاپلستون^۲، ۱۳۹۳، ج: ۱: ۲۶۳)

حکیم فارابی نیز در خصوص دولت می‌نویسد:

حاکم حقیقی کسی است که هدف و مقصود او از فن حکومت که عهده‌دار تدبیر شهرها است، این باشد که خود و اهل مدینه را به سعادت حقیقی برساند. غایت و هدف حکومت نیز همین است؛ لازمه این هدف، آن است که

1. Plato

2. Copleston

مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی... / ۸۳

حاکم مدینه فاضله به بالاترین مرتبه سعادت رسیده باشد؛ زیرا او سبب سعادت اهل مدینه است.

۳. فضای مجازی

فضای مجازی، فضایی تئوری است که ارتباطات رایانه‌ای در آن رخ می‌دهد. (این واژه http://www.oxforddictionaries.com/us/definition/american_english/cyberspace) این واژه در دهه ۱۹۸۰ میلادی وارد ادبیات علمی-تخیلی شد و شاغلان در زمینه رایانه و علاقه‌مندان-به سرعت-آن را به کار بردند تا جایی که در دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شد. در این دوره، استفاده از اینترنت و شبکه و مخابرات دیجیتال در حال رشد بوده و لفظ فضای مجازی توانسته است بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور را نمایندگی کند که به صورت مستقیم و غیر مستقیم نمایندگی می‌کند.

لفظ مادر فضای سایبر، سایبرنتیک است که از یونان باستان به معنای فرماندار یا راننده مشتق شده است؛ واژه‌ای که نوربرت وینر^۱ برای کار پیشگامانه‌اش در مخابرات الکترونیک و علم کنترل به کار برد.

با این‌که نباید فضای مجازی را با اینترنت اشتباه گرفت، از این لفظ-غالباً-در اشاره به اشیاء و شخصیت‌هایی که تا حد زیادی در شبکه مخابراتی وجود دارد، به کار می‌رود تا جایی که برای مثال ممکن است به طور استعاری گفته شود یک وبگاه، در فضای مجازی وجود دارد.

بر اساس این تعبیر، اتفاقاتی که در اینترنت رخ می‌دهد در فضای مجازی به وقوع می‌پیوندند نه جاهایی که شرکت‌کنندگان یا سرورها به طور فیزیکی واقع شده‌اند.

میشل فوکو^۱- فیلسوف فرانسوی- نیز از لفظ هتروتوپیا^۲ در توصیف چنان فضاهایی که به طور همزمان فیزیکی و ذهنی هستند، استفاده کرد.

1. Norbert Wiener

به طور کلی، فضای مجازی را می‌توان برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار برد؛ هم‌چنین این فضا، نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه‌های رایانه‌ای هم‌پیوند تأمین می‌شود که با مسامحه می‌توان آن را مترادف با شبکه جهانی اینترنت دانست. از طرف دیگر، اندرسون^۳ واقعیت مجازی را واقعیت خلق شده توسط رایانه می‌داند؛ واقعیتی که از آن رو مجازی یا مصنوعی است که در دنیای واقعی محیط مادی، مکانی را اشغال نکرده و در اذهان کاربران در نتیجه تعامل با واسط الکترونیکی وجود دارد؛ لذا واقعیت مجازی واقعیتی است که وجود فیزیکی نداشته و توسط نرم افزار تولید می‌شود.

ادله فقهی مسئولیت حکومت در فضای مجازی

۱. ادله امر به معروف و نهی از منکر

با مطالعه و بررسی آیات قرآن کریم دریافت می‌شود که خداوند متعال یک سلسله وظایف برای حکومت‌های دینی تعیین کرده است؛ به عنوان نمونه درباره وظایف مؤمنینی که اقدام به تشکیل حکومت می‌کنند، می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (حج، ۴۱) کسانی که اگر آنان را در زمین

قدرت و تمکن دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند و عاقبت همه کارها در اختیار خداست.

بر اساس آیه شریفه، سه وظیفه اصلی برای حکومت‌های دینی تعیین شده است:

-
1. Michel Foucault
 2. Heterotopia
 3. Anderson

- برپایی و احیای امر نماز،
- جمع آوری و دریافت زکات،
- امر به معروف و نهی از منکر.

بنابراین، حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه می‌باشند.

(قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۵۲)

در آیه‌ای دیگر نیز دستور تشکیل جمعیت آمران به معروف و ناهیان از منکر داده شده است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (آل عمران، ۱۰۴) و باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر دعوت نمایند و به کار شایسته و پسندیده وادارند و از کار ناپسند و زشت بازدارند و اینانند که رستگارند.

بنابراین، از آن‌جا که انسان دارای بعد روحی و معنوی است و حیات اخروی پس از انقضای مرحله حیات دنیوی به دست می‌آید، تنظیم حیات و تدبیر زندگی او باید به صورتی باشد که بتواند رفتارش را در حوزه فردی و جمعی به گونه‌ای سامان دهد که سعادت و کمال دنیوی و اخروی او را تضمین و تأمین کند؛ لذا حکومت وظیفه هدایت و پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای مقرون به حقیقت را دارد.

به طور کلی، وظیفه حکومت به تنظیم امور اجتماعی و تأمین امنیت در راستای بهبود حیات مادی و رفاه اقتصادی محدود نمی‌شود؛ بلکه ترویج ارزش‌ها و اجرای احکام و قوانین دینی و صیانت از حدود الهی به لحاظ نقش آن‌ها در سعادت ابدی انسان، از وظایف عمده و نهایی حکومت است. (نیازی، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

۲. ادله وجوب تعلیم و تربیت

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام تعلیم و تربیت دینی را از حقوق مردم بر حاکم برشمرده است:
- مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی؛ بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دارید، بپردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)
 - بر امام است که بر اهل ولایت خویش حدود اسلام و ایمان را تعلیم دهد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۳۱۸)
 - کمال سعادت، تلاش کردن در صلاح امور همگان و تربیت جمهور است. (همان، ج ۶: ۳۰)
 - همانا بر امام نیست جز آنچه که از امر پروردگار به عهده او گذاشته شده است: کوتاهی نکردن در موعظه و کوشیدن در نصیحت. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵)
 - زایت ایمان را میان شما پابرجا کردم و شما را با مرزهای حلال و حرام آگاه ساختم. به سبب عدالت خود لباس عافیت بر تنتان کردم و با گفتار و کردار خویش معروف را میان شما گستردم و با خوی خود شما را نشان دادم که اخلاق برگزیده چیست. (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)
 - بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا [به آن] امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگهداشتن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، اجرای حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم‌های بیت‌المال به طبقات مردم است. (همان، خطبه ۱۰۴)
- بر این اساس، حضرت از جانب خداوند مأموریت دارد علاوه بر هدایت و راهنمایی جامعه، احکام الهی را اجرا کند و در توزیع و تقسیم امکانات، عدالت را اجرا نماید.

در نگرش دین اسلام به حکومت، هدف از تصدی حکومت، بهره‌مندی بیشتر حاکم از مُکنت و ثروت دنیا نیست؛ بلکه خدمت به دین و یاری خلق خدا است: خدایا! تو خود آگاهی که آن‌چه انجام دادیم، رقابت برای کسب قدرت و طلب مال دنیا نبود؛ بلکه می‌خواهیم نشانه‌های دین را بازگردانیم و امور شهرها را به سامان رسانیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان باشند و بخش‌های وامانده از حدود تو اجرا شود. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)

بر این اساس، محافظت از حلال و حرام الهی، اجرای حدود، دفاع از دین خدا، دعوت مردم به راه بندگی خدا از طریق حکمت، اندرز نیک و گفتگو به بهترین وجه - جدال احسن - از وظایف امام به عنوان حاکم جامعه است. (نیازی، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

بنابراین از اهداف حکومت دینی، تعلیم و تربیت است؛^۱ لذا آموزش و گسترش معارف دینی و علمی که جامعه به آن نیازمند است، وظیفه حکومت است.

دین اسلام برای دانش مقام ارجمندی قرار داده و کسب دانش را فریضه عمومی اعلام نموده است تا جایی که ارج نهادن اسلام به علم و عالم و ترغیب مردم به فراگیری دانش، موجب گردید در حدود دو قرن رشته‌های مختلف علمی در مراکز اصلی مسلمانان که پیش از اسلام خبری از آن علوم نبود، به شکوفایی برسد.

در این میان، مسلمانان - غالباً - به عنوان انجام وظیفه دینی به جهاد علمی روی آوردند و ضمن استفاده از میراث گذشتگان، خود نیز مسائل جدیدی کشف نمودند و به نقل و ترجمه صرف اکتفا نکردند؛ بلکه نقادانه با اندیشه‌های رایج مواجه شدند.

علاوه بر این، علم- ذاتاً- ارزشمند است؛ لذا عقب ماندگی علمی، موجب ضعف مسلمانان و سیطره غیر مسلمان می شود که از این نظر نیز لازم است حکومت دینی تلاش نماید تا برتری علمی مسلمان را به دست آورد. بنابراین حکومت دینی از این جهت که دین، علم آموزی را وظیفه هر مؤمنی اعلام نموده و کمال معنوی و عزت و اقتدار جهانی مسلمانان وابسته به پیشرفت علمی است، زمینه سازی برای بهره مندی هر مسلمان از این حق را به عهده دارد؛ به ویژه در عصر جدید که امنیت، رفاه، حفظ سلامت و نشر معارف دینی نیز در گرو دستیابی به آخرین دستاوردهای دانش روز است؛ لذا آموزش و رفع جهل از وظایف حاکم معرفی شده است.

از طرفی، یکی از شاخه های تعلیم و تربیت با توجه به تنیدگی زندگی امروز بشر با فضای مجازی، تعلیم و تربیت در فضای مجازی است؛ بنابراین همه ادله و وجوب تعلیم و تربیت شامل تعلیم و تربیت در فضای مجازی نیز می شود که بر این اساس، همه ادله وجوب تعلیم و تربیت و ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، دو مسئولیت مهم برای حکومت ایجاد می کند:

- تعلیم و تربیت و آموزش های ایجابی در فضای مجازی؛
- جلوگیری از محتوای مخرب و شبهه ناک در فضای مجازی.

۳. ادله ولایت فقیه

با پذیرش نظریه ولایت مطلقه فقیه، دریافت می شود که فقیه بر اساس معیار مصلحت و وجوب دفع مفسده، دستور به آموزش معارف دینی می دهد و هم چنین از محتوای مخرب و شبهه ناک در فضای مجازی ممانعت می کند و چون ولایت او ولایت مطلقه است، بر اراده و آزادی مردم تقدم دارد؛ زیرا بر اساس اندیشه امام خمینی علیه السلام و بسیاری از علما همان ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله از حیث تشریح- نه تکوین- برای فقیه متصور است.

بر این اساس، همان‌طور که «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»^۱، فقیه نیز اولی بالمؤمنین است؛ البته این ولایت بر مدار مصلحت مؤمنین و جامعه می‌چرخد و بدون ضابطه و قاعده نیست و نفع آن در نهایت به خود مؤمنین و جامعه می‌رسد؛ لذا فقیه هم‌چون پدری مهربان جلوی خطای فرزند خود را می‌گیرد.

ادله حقوقی مسئولیت حکومت در فضای مجازی

از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین وظیفه حکومت، بسیج همه امکانات برای گسترش امور دینی و حفاظت از مرزهای عقیدتی است؛ هم‌چنان‌که در اصل سوم از قانون اساسی چنین آمده است:

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
۲. بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

در اصل هشتم قانون اساسی نیز چنین آمده است:

۱. ر. ک: احزاب، ۶.

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز جهت حراست و حفاظت از باورهای دینی و عقاید اسلامی، توهین به مقدسات اسلامی جرم‌انگاری شده است:

هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين علیهم‌السلام یا حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

هم‌چنین موارد دیگری که در تعارض با مبانی عقیدتی است، جرم محسوب شده^۱ تا بدین وسیله از مرزهای عقیدتی و باورهای دینی حفاظت شود.

بنابراین از منظر فقه و حقوق و قوانین کشور، حفاظت از مرزهای عقیدتی از وظایف حکومت اسلامی است و حکومت در این حوزه، دو مسئولیت دارد:

- با ترویج مبانی دینی اسلام، عموم مردم را با تعالیم روح‌بخش اسلامی آشنا کند.

- آن‌چه که در تعارض با مقدسات اسلامی و هم‌چنین باورها و هنجارهای اخلاقی اسلام است، جرم‌انگاری نماید و از بروز آن‌ها پیشگیری نماید.

چند پرسش و پاسخ فقهی و حقوقی

۱. انتخاب دین و اعتقادات امری اختیاری است و حکومت نباید در آن دخالت کند و این منافات با آزادی دارد؛ چرا که قرآن نیز می‌فرماید در دین، اجباری نیست.^۱

۱. ر. ک: قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۴۰، ۶۳۹-۶۳۸.

بحث در این حوزه، بحث اجبار و اکراه بر پذیرش دین نیست؛ بلکه سخن در حفظ باورهای دینداران و حمایت از آنان است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: با توجه به آیات مربوط به ارتداد شاید این‌گونه به نظر برسد که اسلام با این کار در صدد این است که حصار ایمان اسلامی را حفظ کند. در حقیقت اسلام بعد از این‌که مردم ایمان می‌آورند، نظام اسلامی را مکلف کرده است که از ایمان مردم حفاظت و حراست کند. این وظیفه نظام و حکومت اسلامی است؛ به خصوص در آیه ارتداد «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ»^۲ که درباره عمار یاسر وارد شد، در آخر این آیه می‌فرماید: «بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ»^۳. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۳۹)

۱. ر. ک: بقره، ۲۵۶.

۲. ر. ک: نحل، ۱۰۶.

۳. ر. ک: نحل، ۱۰۷.

نه تنها در نظام حقوقی اسلام بلکه در سایر نظام های حقوقی نیز انکار حقانیت دین رسمی کشور، کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند و آن چیزهایی که عقاید دینی را مورد هجمه قرار دهد، جرم محسوب می شود.

به عنوان نمونه؛ در نظام حقوقی «کامن لا»^۱ که متأثر از حقوق کلیسایی است و هم اکنون برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلستان از این نظام تبعیت نسبی دارند، از گذشته توهین به مقدسات را با عنوان جرم^۲ تلقی کرده اند. بر اساس تعریفی که حقوقدانان غربی ارائه کرده اند، واژه ارتداد^۳ شامل هر گونه انکار حقانیت مسیحیت، کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند می شود و اینها جرم محسوب می شوند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۵)

از طرف دیگر، بر اساس حقوق بین الملل تا زمانی اظهار عقیده مذهبی امکان پذیر است که به امنیت، نظم، سلامت، اخلاق عمومی و یا قوانینی که در آن کشور تصویب شده، تعارضی نداشته باشد.

در بند ۳ از ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۹۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل، چنین آمده است:

آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی توان تابع محدودیت هایی نمود؛ مگر آنچه که منحصراً به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.^۴

-
1. Common Law
 2. Blasphemy
 3. Apostasy

مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی... / ۹۳

هم‌چنین در بند ۳ از ماده ۱۹ این میثاق بین‌المللی آمده است:

اعمال مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم مسئولیت‌های خاص است؛ لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل، ضرورت داشته باشد:

الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران؛

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت اخلاق عمومی.^۱

در بند ۲ از ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز چنین آمده است:

هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون - منحصراً - به منظور تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.^۲

بر اساس اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیروان مذاهب اسلامی در پیروی از عقاید و مناسک خود آزادند؛ هم‌چنین بر اساس اصل ۱۳ ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی طبق آیین خود عمل می‌کنند.

بنابراین، سایر فرقه‌ها یا ادیان غیر توحیدی حق تبلیغ، ترویج و اجرای مناسک در ایران را ندارند؛ لذا با توجه به این دو اصل یکی از وظایف حکومت اسلامی جلوگیری از فرقه‌های انحرافی است.

۱. ر. ک: امیر ارجمند، ۱۳۸۱: ۹۳.

۲. ر. ک: همان: ۷۰.

۲. آیا اعمال محدودیت در فضای مجازی با آزادی بشر که از حقوق انسانی شمرده شده و دین اسلام آن را محترم می‌داند و نیز آزادی بیان که قرآن کریم آن را ترویج می‌کند، سازگاری دارد؟

آزادی بشر تا آن جاست که به خود یا دیگران ضربه نزند. همه فقها می‌گویند نجات نفس محترمه بلکه حیوان نیز واجب است.

در این میان، امکان دارد این بحث پیش بیاید که نجات انسان از آلودگی در فضای مجازی، ورود به حریم خصوصی و تجسس است که حرام و ممنوع است.

در پاسخ گفته می‌شود عموم مردم حق تجسس و ورود به حریم خصوصی ندارند؛ اما حکومت برای جلوگیری از فساد و افساد فی الارض می‌تواند ورود کند و سایت‌های مستهجن را فیلتر کند، لیکن تفتیش افراد صحیح نیست مگر خوف افساد فی الارض باشد که با حکم قاضی بلا اشکال است.

بنابراین، آزادی تا آن جاست که به تباهی فرد یا جامعه منتهی نشود؛ البته اقدامات ایجابی و سلبی حکومت در این زمینه - توامان - مهم و ضروری است.

در خصوص آیه شریفه زیر نیز باید گفت:

«فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱ بشارت آور، آن بندگان که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان هستند که خدا آن‌ها را هدایت فرموده و هم آنان، خردمندان عالمند.

اولاً منظور از «القول» سخنان حکیمانه است نه سخنان لغو و باطل؛ زیرا خداوند به صراحت از شنیدن سخنان باطل نهی کرده است.^۲

۱. ر. ک: زمر، ۱۸-۱۷.

۲. ر. ک: نساء، ۱۴۰؛ انعام، ۶۸؛ قصص، ۵۵؛ مؤمنون، ۳.

مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی... / ۹۵

ثانیاً سخن از انتخاب «احسن» است؛ یعنی یک سخن «حسن» وجود دارد و یکی «احسن» که در تشخیص احسن باید اقدام کرد نه این که بین بد و خوب - فرد - مخیر باشد؛ پس در بحث بین حقیقت و باطل یا فساد و صحت، اختیار تشریحی معنا ندارد؛ هر چند انسان از نظر تکوینی مختار است.

ثالثاً در آیه بعدی که مرتبط به همین موضوع است، می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ پس معلوم می‌شود این انتخاب مخصوص صاحب خرد و متخصصان است نه این که مشتمل بر همه انسان‌ها باشد.

۳. با توجه به فیلتر شکن‌های قوی و ابزار دیگر، آیا فیلترینگ و امثال آن فایده‌ای

دارد یا تنها صرف هزینه بی‌جا و از مصادیق ضرر به بیت‌المال است؟

اگر منطق این سؤال را پذیرفت، به این معناست که هیچ صاحب مالی نباید از مالش حفاظت کند و درب مغازه و منزل خود را قفل بزند و تجهیزات ایمنی نصب نماید؛ زیرا سارقان به پیشرفته‌ترین ابزاری که تجهیزات ایمنی را مختل می‌کند، مجهز هستند. در خصوص فضای مجازی نیز این‌گونه است؛ هر چند امکاناتی برای راه‌یابی هست، اما اولاً همه‌گیر نیست و ثانیاً باید فناوری را پشرفت داد تا بتوان بر راه‌های نفوذ غلبه کرد.

۴. چرا یک نفر قاضی می‌تواند برای یک ملت تصمیم بگیرد و دستور

فیلترینگ بدهد؟

برای پاسخ به این سؤال، توجه به فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای - جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی - مهم است:

ماده ۱۴: هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد،

- تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.
- تبصره ۱: ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتدل، موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازات‌های فوق می‌شود.
 - محتویات و آثار مبتدل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه و صور قبیحه باشد.
 - تبصره ۲: هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
 - تبصره ۳: چنانچه مرتکب، اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان‌یافته مرتکب شود، چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.
 - تبصره ۴: محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیان‌گر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.
- ماده ۱۵: هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:
- الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آن‌ها را تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آن‌ها را تسهیل نموده یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو میلیون ریال تا پنج میلیون ریال است.

ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

تبصره: مفاد این ماده و ماده ۱۴ شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود.

بنابراین، اعمال قانون و اجرای قانون به دست چه کسی باید محقق شود؟ آیا غیر از قاضی آگاه به قوانین و ضوابط فقهی و حقوقی، کسی دیگر صلاحیت دارد؟

تکمله: آشنایی با شورای عالی فضای مجازی

از نظر قانونی با حکم رهبر معظم انقلاب، شورای عالی فضای مجازی نهادی قانونی و لازم‌الاتباع است. در حکم رهبر معظم انقلاب چنین آمده است:

لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و هم‌چنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید.

به این مناسبت، شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود. این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد نماید تا اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه سطوح تحقق یابد. در پایان انتظار دارم ضمن تسریع در تشکیل مرکز ملی فضای مجازی، رئیس و اعضای محترم شورا تلاش بایسته را در جهت دستیابی این مرکز به اهداف تعیین شده به کار برند. کلیه دستگاه‌های کشور موظف به همکاری همه‌جانبه با این مرکز می‌باشند. (مقام معظم رهبری، ۱۷ اسفند ۱۳۹۰)

در حکم اخیر رهبر معظم انقلاب، چنین آمده است:

ترویج هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی ایرانی و ممانعت از رخنه‌ها و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی و نیز ارتقای فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی جامعه. (همان، ۱۴ شهریور ۱۳۹۴)

نتیجه گیری

بر اساس ادله فقهی، حقوق اسلامی و حقوق بین الملل یکی از وظایف حاکمیت، حفاظت از مرزهای عقیدتی مردم است؛ لذا بهانه‌های واهی هم‌چون مخالف با آزادی نیز نمی‌تواند ادله مستحکم را دچار تردید کند.

از همین روی مسئولین حکومت دینی به عنوان یک واجب الهی و یک اصل حقوقی ملزم به حفاظت از باورهای دینی هستند و باید در این خصوص ابتدا به آموزش تعالیم دینی و سپس حفاظت از آن‌ها و جلوگیری از انحرافات دینی اقدام نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. تارنمای مقام معظم رهبری. <http://farsi.khamenei.ir>
۴. امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۱). مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۰). غرر الحکم ودرر الکلم. شرح جمال الدین خوانساری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷). آزادی از نظر اسلام و غرب. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی (اندیشه حوزه سابق). شماره ۱۴: ۴۱-۱۳.
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۸. قانون مجازات اسلامی.
۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه: یونان و روم. ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. نیازی، احمدعلی (۱۳۸۹). اهداف و وظایف حکومت دینی. معرفت سیاسی. سال ۲. شماره ۱: ۱۷۹-۱۴۹.
۱۲. واعظی، احمد (۱۳۸۳). حکومت اسلامی: درسنامه اندیشه سیاسی اسلام. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۳. هاشمی، حسین (۱۳۸۴). ارتداد و آزادی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

14. http://www.oxforddictionaries.com/us/definition/american_english/cyberspace